

روش‌شناسی شهید بهشتی و نظام آموزش علم اقتصاد

فرشاد مؤمنی

عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبائی

در ساحت علم دو مفهوم کلیدی و زیربنایی وجود دارد که هرگونه سهل‌انگاری یا دست‌کم گرفتن آنها می‌تواند منشأ اتلاف‌های بزرگ و سوءکارکردهای جبران‌ناپذیر باشد. این دو مفهوم عبارتند از؛ روش‌شناسی (Methodology) و روش تحقیق (Research Method) از آنجا که در کشورهای در حال توسعه تولید علم به مفهوم دقیق کلمه با کاستی‌های بسیار اساسی روبروست بخش مهمی از محتوای علمی نظام‌های رسمی آموزشی از طریق فرایند انتقال دستاوردهای نظری کشورهای پیشرفته پشتیبانی می‌شود، مسئله دستیابی به فهم علمی با دشواری‌های ویژه‌ای روبرو می‌باشد.

با مروری بر آثار مکتوب به جا مانده از آیت‌الله شهید دکتر سیدمحمد حسینی بهشتی به روشنی می‌توان دریافت که حساسیت‌های ممتاز ایشان در زمینه روش‌شناسی و کاربرست دقیق روش‌های پژوهش علمی در سطح بسیار برجسته‌ای نمایان است.

مجموعه تحولاتی که طی سه دهه اخیر در حوزه‌های نظری و علمی اقتصاد در مقیاس جهانی پدید آمده دگرگونی‌های جدیدی را ایجاد نموده که از یک سو ابعاد اهمیت ملاحظات روش‌شناختی را در فرایند انتقال و آموزش علوم بسیار افزایش داده و از سوی دیگر، در ارائه تبیین‌های نظری از شئون مختلف حیات جمعی انسان‌ها جایگاه برجسته‌ای برای تأملات متافیزیکی و به طور مشخص دینی در نظر گرفته شده است. این پدیده همان چیزی است که در ادبیات موضوع با عنوان «گشت فرهنگی» (cultural turn) مورد خطاب قرار گرفته است.

اگر پدیده جهانی شدن را در آخرین تحلیل عبارت از فرایند آزادسازی مبادله در بازارهای اقتصاد و اجتماع و فرهنگ در نظر بگیریم برای هر جامعه‌ای که بخواهد حضوری فعال در بازارهای جهانی مزبور داشته باشد چاره‌ای جز عرضه متاعی که متقاضیان ویژه داشته باشد باقی نمی‌ماند. به نظر می‌رسد که در این شرایط با تکیه بر روش‌شناسی شهید بهشتی می‌توان چارچوبی از نگرش‌های اسلامی به علوم انسانی ارائه نمود که در عین حال که بخش مهمی از کاستی‌های موجود نظام رسمی آموزشی ما را برطرف می‌سازد راه را برای مطرح کردن عالمانه علوم انسانی براساس موازین اسلامی و ارائه اندیشه‌های راهگشا در مقیاس جهانی هموار می‌سازد.

بنیان‌های اصلی چنین ادعایی به نگرش شهید بهشتی به اسلام به مثابه یک دین جهانی و اقتضات آن از جنبه‌های روش‌شناختی و شیوه‌های پژوهش علمی، تلقی انسان‌شناختی ویژه شهید بهشتی از مقام خلیفه‌الهی انسان و مسئولیت‌های او، برخورد منصفانه، آگاهانه و روشمند شهید بهشتی با الگوهای نظری رقیب و فرصت‌های ارزشمندی که از این ناحیه برای انسان فراهم می‌شود و نوع ویژه رابطه‌ای که ایشان میان علم و عمل از یک سو و ایمان و عمل صالح از سوی دیگر قائل هستند باز می‌گردد.

در این مقاله تلاش می‌شود تا با استناد به آثار شهید بهشتی ضمن تشریح بنیان‌های چهارگانه فوق راهگشایی‌های الگوی اندیشه‌ورزی ایشان در حوزه مالکیت به صورت یک مطالعه موردی نشان داده شود. نتایج این بررسی چه برای تصحیح و تعمیق نگاه‌های موجود به این مسئله در داخل کشور و چه برای مشخص کردن نسبت ما با تحولات جهانی و داشتن یک نگاه واقع‌بینانه توأم با اعتماد به نفس همراه با پیام‌های ارزشمند و شنیدنی در مقیاس جهانی می‌تواند الهام‌بخش و راه‌گشای پژوهشگران باشد و در انتها با تکیه بر این بررسی موردی نشان داده خواهد شد که چگونه می‌توان نظام آموزش علم اقتصاد را در مدارس و دانشگاه‌ها بهبود بخشید.